

ضرب و شتم گردآمدگان در گورستان خاوران

بنا به گزارش‌ها، تجمع شماری از بستگان جانباختگان اعدام‌های ۱۳۶۷ در گورستان خاوران با حمله‌ی مأموران انتظامی و لباس شخصی روبرو شد.



بنا به گزارش‌ها، تجمع شماری از بستگان جانباختگان اعدام‌های ۱۳۶۷ در گورستان خاوران با حمله‌ی مأموران انتظامی و لباس شخصی روبرو شد. عکس از آرشیو

صبح روز جمعه، ۸ شهریور، خانواده‌ها و دوستان اعدام‌شدگان سال ۱۳۶۷ برای گرامی‌داشت یاد عزیزانشان به گورستان خاوران رفتند، اما با ممانعت نیروهای انتظامی و نیز ضرب و شتم توسط لباس شخصی‌ها روبرو شدند. به گفته‌ی شاهدان عینی، حتی بازار گلی که در نزدیکی گورستان خاوران قرار دارد و همه ساله خانواده‌ها از آنجا برای مزار عزیزانشان گل تهیه می‌کنند نیز پر از نیروهای انتظامی بود.

ساعت هشت صبح روز جمعه، هشتم شهریورماه به رسم بیست سال گذشته، جمعی از خانواده‌ها و دوستان اعدام‌شدگان سال ۱۳۶۷ به منظور گرامی‌داشت یاد فرزندان، همسران، و یارانشان راهی گورستان خاوران در جنوب شرقی تهران شدند. آن‌ها به رسم تمامی این سال‌ها ابتدا در گلستان رضا توقف کردند تا برای مزار عزیزانشان دسته‌گلی تهیه کنند، اما تمامی محوطه بازار گل پر از نیروهای انتظامی بود.

اکبر معصوم‌بیگی عضو هیأت دبیران کانون نویسندگان و از شاهدان عینی روز جمعه‌ی خاوران، فاصله‌ی میدان گل تا گورستان خاوران را این گونه توصیف می‌کند: «در تمام طول مسیری که از آن میدان گل می‌گذشتیم تا به خود گورستان خاوران برسیم، شاید مثلاً در فاصله‌های نیم‌کیلومتری، حتی کمتر، ماشین‌های پلیس و نیروی انتظامی ایستاده بودند. وقتی ما آن بریدگی را که باید از آن جاده برگردی، دور زدیم، در حقیقت جاده‌ی خراسان را برگشتیم به طرف خاوران، دیدیم که تمام آن دیواری را که به گورستان خاوران منتهی می‌شود، حصارها و نرده‌های آهنی کشیده‌اند».

به گفته‌ی شاهدان عینی، قطعه‌زمینی که نام گورستان خاوران را بر خود دارد و مدفن بیش از چهار هزار زندانی سیاسی و عقیدتی است، به طور کامل توسط حصارهای آهنی بسته شده و امکان ورود افراد پیاده نیز به آن نبوده‌است.

حاضران وقتی می‌بینند که امکان ورود به گورستان را ندارند، دور زده و حدود یک کیلومتر دورتر برای تصمیم‌گیری و این‌که چه باید بکنند خودروها را متوقف می‌کنند.

حمله موتورسواران

معصوم‌بیگی مشاهداتش را این گونه بیان می‌کند: «از آنجا که گذشتیم، وقتی که در یک فاصله‌ی دورتر، شاید یک کیلومتر آنورتر، دوستان نگه داشته بودند که چه بکنند و می‌خواستند گل‌هایی را که خریده بودند ببرند سر مزار، موتورسوارهایی که اینها را تعقیب می‌کردند، آمدند و شروع کردند به درگیر شدن با جمعیت و به اصطلاح کتک‌کاری کردن. البته کتک‌کاری یک‌طرفه و بعد شکستن شیشه‌ی ماشین‌ها. شیشه‌ماشین‌ها را خرد می‌کردند، از جمله ماشینی که خود من سوارش بودم شیشه‌ی عقب‌اش را با آجر خرد کردند. آجر را پرت می‌کردند و هیچ ملاحظه‌ای نداشتند که ممکن است این آجر به سروکله‌ی کسی بخورد. نمره‌های ماشین‌ها را می‌کشیدند».

ناصر زرافشان در صحنه

ناصر زرافشان، وکیل و عضو دیگر هیأت دبیران کانون نویسندگان که در قسمت دیگری از محل درگیری‌ها حضور داشته احتمال می‌دهد که چند نفر توسط نیروهای انتظامی دستگیر شده باشند. از آنجا که گفت و گو با زرافشان حوالی ظهر جمعه صورت گرفته، وی تصریح می‌کند که برای به دست آوردن اخبار دقیق‌تر باید منتظر گذشت زمان شد. او می‌گوید: «جمعیت پراکنده شدند، گروهی ظاهراً به طرف قطعه‌ی ۳۳ بهشت زهرا رفتند که اعدامی‌های قبل از ۶۷ و اعدامی‌های دوران شاه در آنجا مدفون‌اند و بعضی دیگر هم در حوالی خاوران به زدو خورد و جنگ و گریز با نیروهای مختلفی که در آن منطقه مستقر شده بودند ادامه می‌دادند. هنوز تصویر خیلی شفاف و روشنی از این که مآلا چه اتفاقی افتاده، یا چه تعدادی دستگیر شدند، وجود ندارد. یک چیزهایی از کسانی که آمده بودند ضبط شده مثل دوربین و موبایل و اینجور چیزها. احتیاج به زمان هست تا بتوانیم شفاف‌تر درباره‌اش حرف بزنیم».

احضار و تهدید بازماندگان

از چندروز مانده به هشتم شهریور، تعدادی از خانواده‌های اعدام‌شدگان و نیز فعالان سیاسی و اجتماعی به دادگاه انقلاب احضار شدند که یکی از آنها به نام علیرضا ثقفی مدت کوتاهی نیز بازداشت شد. به گفته‌ی ناصر زرافشان که خود یکی از احضارشدگان بوده، محور بازجویی‌ها مراسم خاوران و راضی کردن افراد برای برگزار نکردن مراسم امسال بوده است.

زرافشان در این مورد چنین می‌گوید: «از هفته‌ی گذشته احضارها، اخطارها و یورش به جمع مادران جان‌باختگان در منزل خانم سرحدی‌زاده و جلب مادران به مراجع انتظامی و امنیتی و احضار فعالان اجتماعی وجود داشت. من خودم و تعداد دیگری از فعالان اجتماعی در دو هفته‌ی گذشته احضار شده بودیم و صحبت‌هایی در این زمینه کرده بودند. ما هم حرفهای خودمان را زده بودیم».

تهدیدهای تلفنی

به تعداد دیگری از فعالان و خانواده‌ها نیز تلفنی اعلام شده بود که نیروهای انتظامی دستور درگیری دارند و در صورت حضور در خاوران حتماً درگیری پیش خواهد آمد. اکبر معصوم‌بیگی، که خود نیز با تماس تلفنی از حضور در خاوران منع شده بود، معتقد است فشارهای امنیتی روز به روز بیشتر شده و گویا قصد بر این است که ماجرای اعدام دسته‌جمعی سال ۶۷ فراموش شود. او می‌گوید: «حق ما است که برویم سر این مزارها. ما دادخواه این کشته‌شدگان هستیم. به این سادگی‌ها هم نیست که شما یکبار، دوبار، یکسال جلوگیری بکنید و دیگران فکر کنند که نباید بروند سر مزار عزیزانشان».

همه‌ساله در آستانه شهریورماه که سالگرد اعدام‌های دسته‌جمعی سال ۱۳۶۷ است، از طرف نیروهای امنیتی تماس‌هایی با خانواده‌ها برقرار می‌شود تا آنان را از رفتن بر سر مزار فرزندان و همسرانشان باز دارند اما تا سال گذشته، هر سال این مراسم بدون خشونت و درگیری فیزیکی انجام می‌شد.

ناصر زرافشان می‌گوید تماس‌ها و تهدیدهای امسال و نیز عملکرد نیروهای امنیتی در روز جمعه، با بقیه سال‌ها تفاوت داشت: «امسال فرق می‌کرد. سالهای گذشته حضور داشتند، از قبل این احضارها و اخطارها بود، ولی لااقل در این حد بود که خانواده‌های این جان‌باختگان بتوانند برای ادای احترام به فرزندان، به شوهرانشان، به پدرها و مادرهایشان به خاوران بروند. تا آن حد جلوگیری نمی‌کردند، ولی امسال راه‌ها کاملاً بسته‌تر بود، منطقه را بسته بودند و اوضاع و احوال متفاوت بود».

مردادماه سال ۱۳۶۷ بعد از عملیات «فروغ جاویدان» توسط نیروهای سازمان مجاهدین خلق، آیت‌الله خمینی کتبا دستور داد کلیه زندانیانی را که هنوز بر عقیده‌شان پابرجا هستند، اعدام کنند.

تعداد زیادی از این زندانیان، دوران محکومیت خود را سپری کرده و منتظر آزادی خود بودند.

هنوز هیچ آمار رسمی و دقیقی از تعداد اعدام‌شدگان آن سال منتشر نشده اما آمار غیررسمی که توسط خانواده‌های قربانیان و نیز بازمانده‌های زندانیان سیاسی آن سال‌ها تهیه شده، رقمی بیش از چهار هزار نفر را شامل می‌شود.

میترا شجاعی